ترتب ثبوتی تکییف بر تحدید و تصویر بر تکییف

فعلاً مقدمات سه جمله را بررسی کردیم. تعبیر «محرّم» به هر سه آنها بر می‌گشت. «محرّم تکییف»، «محرّم تحدیده»، «محرّم تصویره». بر چه کسی «محرّم» است؟ «محرّم علی بوارع ثاقبات الفطن تحديده و محرّم علی عوامق ناقبات الفكر تكييفه ، و محرّم علی غوائص سابحات الفطر تصويرة». سه «محرّم» بود.

«تحدید» به چه معنا است؟ مرحوم مجلسی فرموده‌اند: «لعلّ المراد بالتحديد، التحديد العقلی». یعنی محرّم است که فطن او را تحدید عقلی بکند. او را به یک مفهومی در بیاورد. این احتمال را داده‌اند.

کلمه‌ی «تحدید» و «تکییف» را اگر سایر خطب و روایات معصومین علیهم السلام به دست بیاوریم، بهتر است. قبلاً از کلمه‌ی «تکییف» در صفحه‌ی پنجاه و یک بحث کرده بودیم. در خطبه‌ای که امام علیه‌السلام فرموده بودند، عبارت این بود: « وتوله‌ت القلوب إليه لتحوي منه مكيفا في صفاته»[1]. «مکیّفا» یا «مُکیِّفا» می‌توانیم بخوانیم. «مکیّف» بحث ما است. «مکیّف» یعنی چیزی که در آن تکییف صورت می‌گیرد. حدّه‌م در روایات هست. «ما وحّدّه من کیّفه»[2]. یعنی حضرت وقتی کیفیت را می‌آورند، می‌گویند وحدت رفت. در نهج‌البلاغه هست. از جملات عال العال است. «ما وحّدّه من کیّفه» کسی که تکییف کرد از وحدت فاصله گرفته است. چرا؟؛ چه ملازمه‌ای هست هر کسی خدا را تکییف کرد، از وحدت او فاصله گرفته است؟ این ملازمه‌ها، لازم ملزومه‌ایی که معصومین علیهم السلام می‌فرمایند، به این صورت است که کسی که مستمع کلام آنها باشد، آنها را بالا می‌برد. یعنی فکر کند که امام علیه‌السلام چرا می‌گویند: «ما وحدّه من کیّفه»؟ یک وقتی است که متعبد هستیم. تکییف نمی‌کنیم؛ چون حضرت علیه السلام فرموده‌اند: وحدت، او هم همین طور می‌رود. خُب، این خوب است و مانعی ندارد؛ «إنّ الْمُسَلِّمِينَ هُمُ الْنُّجَبَاءُ»[3]، اما یک وقتی است که می‌خواهد، بفهمد. حضرت علیه السلام که همینطور تعبدی نفرموده‌اند: «ما وحّدّه من کیّفه». پس معلوم می‌شود تکییف، وحدت را می‌برد. وحدتی که لائق خدای متعال است را چرا می‌برد؟

تحدید چیست؟ در همین توحید صدوق سه آدرس دیگر دارم. صفحه‌ی چهارصد و سی و هشت، صفحه‌ی نود و هشت، صفحه‌ی صد. آیا «تحدید» به‌معنای تحدید عقلی است که مرحوم مجلسی فرمودند یا خیر؟. «تحدید»، حد است. یک چیزی محدود می‌شود. در روایات مواضعی هست که «تحدید» به کار رفته و به‌معنای محدودیتی است که پشتوانه‌ی تکییف و تصویر است. لذا این احتمال، احتمال

خوبی جلوه می‌کند که حضرت علیه السلام دارند در سه مرحله می‌گویند: نه تحدید می‌شود، نه تکییف می‌شود و نه تصویر. ترتب ثبوتی است. یعنی ذهن انسان و ذهن بشر، وقتی می‌خواهد تصویر کند اول تکییف می‌کند، قبل از اینکه بخواهد تکییف کند، باید تحدید کند.

---

[1]. شیخ صدوق، التّوحيد، ج ۱، ص ۵۱.

[2]. نهج‌البلاغه (نسخه‌ی صبحي صالح)، ج ۱، ص ۲۷۲.

[3]. مختصر البصائر، ج ۱، ص ۲۲۴.

بازبینی #1
ایجاد شده 24 ژوئیه 2024 12:55:23 توسط ... .
به روزرسانی شده 24 ژوئیه 2024 12:56:22 توسط ... .